

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده هنر و معماری
گروه معماری

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
معماری

طراحی
موزه معماری

در بافت تاریخی پشت مسجد شیخ لطف الله اصفهان

استاد راهنما
دکتر کاظم مندگاری

استاد مشاور
دکتر حمید ندیمی

پژوهش و نگارش
علی موذنی خوراسگانی

اسفند ۱۳۸۸

تقدیم به
پدر و مادرم

وتقدیم به محضر حضرت دوست که لطفش سایبان
هر لحظه زندگی من است.

تقدیر و تشکر

تقدیر و تشکر از پدر و مادر عزیزم و کلیه اساتید گرامی بالاخص جناب آقای دکتر مندگاری، دکتر حمید ندیمی، دکتر هادی ندیمی، دکتر رازجویان، دکتر اولیاء، دکتر آیت اللهی، دکتر مهدوی پور، دکتر نقصان محمدی، مهندس مسعودی، مهندس منتظر(هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان)، دکتر پدرام (هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان) و کلیه عزیزانی که مرا در انجام این پایان نامه یاری رساندند.

چکیده:

بافت شهری تاریخی به مثابه میراث فرهنگی در نتیجه عواملی، امروزه دستخوش تغییرات و تحولاتی شده که عمدتاً در جهت تخریب و نابودی این میراث گرانبها پیش می‌رود و محیط‌هایی که باید به عنوان فضاهایی سرشار از نشاط و سرزندگی در شهر به شمار آید امروزه به محل‌های بزه و نمادی از نابسامانی شهری تبدیل شده است. بافت قدیم تنها یک مسئله کالبدی نیست بلکه مسائل اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. این موضوع دخالت در بافت‌های شهری تاریخی دارای اهمیت و پیچیدگی‌های خاص خود است و هر مکانی با توجه به شرایط خاص خود روش خاص مداخله را می‌طلبد.

نحوه بهره‌برداری از بافت‌های (مسکونی، فرهنگی و یا عملکردهای دیگر) در احیاء بافت موضوعیت دارد. فهم ارزش‌ها و ویژگی‌های معماری و شهری محوطه‌های تاریخی در معرفی و بیان آن، توجه و دقت بیشتری را در گزینش بهره‌برداران می‌طلبد. در این راستا مخاطبین عام و خاص معماری اعم از اساتید، کارشناسان، دانشجویان و علاقمندان به موضوع معماری، بهترین فهم و ادراک را از ارزشهای تاریخی این بناها و محوطه‌های تاریخی دارند. برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های مرتبط با حوزه معماری در قالب موزه معماری می‌تواند ضمن پاسخگویی به نیازهای قشر معماران در حفاظت کالبد و ارزشهای مستتر در آن نیز مفید واقع شود.

با توجه به سابقه و ادبیات گسترده‌ای که در زمینه مداخله در بافت‌های شهری تاریخی وجود دارد، این تحقیق ابتدا با مرور بر این ادبیات سعی در اکتشاف اصول منطبق بر ویژگی‌های سایت مورد نظر را دارد، اما با توجه به اینکه بافت‌های شهری تاریخی بر اساس اصول و ویژگی‌های مکانی شکل گرفته‌اند، فهم و برنامه‌ریزی برای آنها لزوم ارتباط حضوری و دریافت‌های شهودی را می‌طلبد. بنابراین بخش عمده تحقیق از طریق دریافت‌های میدانی و دستیابی به اصول کلی در قالب یک ایده معمارانه (کانسپت) ارائه می‌گردد.

در این مجال پس از بیان مقدمه‌ای در باب بافت‌های تاریخی بالاخص بافت شهری اصفهان و تحلیل نقشه-های بالا دست آن به بررسی نگرش‌های مداخله در بافت‌های شهری تاریخی و بیان چارچوب نظری طراحی در این محوطه‌ها پرداخته شده که در نتیجه به جمع بندی و ارائه گزینه‌های پیشنهادی و در نهایت به معرفی طرح پیشنهادی منجر شده است.

یافته‌های تحقیق بیشتر متوجه این نکته است که در یک ارتباط حضوری و یک به یک و با حرکت در فضاها، معماری می‌تواند نوع مداخله در بافت را بر اساس ویژگی‌های منظر محیط تنظیم نمود. با توجه به اینکه موضوع موزه معماری مخاطبین خاص خود را دارد، بدیهی است برای پاسخگویی به این نیازها و همچنین نیازهای اقشار عمومی ساکن در بافت، تحقیق باید علاوه بر جنبه‌های بصری و کالبدی به حوزه‌های اجتماعی و روانشناسی طرح نیز بپردازد. در حقیقت نوعی معاصر سازی فرهنگی می‌تواند پاسخی مناسب در جهت حفظ این میراث گرانبها باشد.

کلمات کلیدی: بافت شهری تاریخی، موزه معماری، معاصر سازی فرهنگی

مقدمه:

مجاورت سایت تاریخی پشت گنبد با میدان نقش جهان امتیاز و پتانسیل خاصی را برای این سایت تاریخی موجب می شود که با توجه به وضعیت موجود آن رسیدگی عاجل به آن می تواند در جذب توریست و استفاده ی بیش از پیش از قابلیت های این سایت موثر باشد.

پس از شناسایی بناهای با ارزش سایت و لکه گذاری ارزشی آنها ، نظر به وجود بناهایی از ادوار مختلف تاریخی ایده ی موزه معماری در نظر نگارنده به عنوان گزینه ای مناسب و پیشنهادی برای این بافت ارائه شد. در حقیقت امکان وجود معماری از زمانهای مختلف از حدود ۴۰۰ سال پیش تا کنون جزء خصلتهای ویژه این سایت می باشد. مجاورت این سایت با یک بنای ثبت شده جهانی و مسئله جذب توریست و ... عملی تر شدن این ایده را تقویت می کند. در اینجا با دو مبحث مهم روبرو هستیم. اول آنکه چراسایت از کاربری مسکونی خارج شود و به کاربری تقریباً فرهنگی تبدیل شود و دوم آنکه موزه معماری چیست و چه اتفاقی قرار است درون آن رخ دهد.

نظر به تخریب روز افزون بافت، تصمیماتی در جهت جلوگیری از این تخریب اتخاذ می شود که بعضاً بحث در موارد طراحی در بافت های تاریخی را در مواردی به صورت امری معمول و از سر رفع تکلیف به صورت دستورالعملی کلی برای تمامی سایتها و بافتهای تاریخی اعمال می شود. این درحالی است که این سایتها تاریخی در موارد مختلف با یکدیگر متفاوت هستند. مقتضی است با مطالعه موشکافانه در موارد مختلف با توجه به پتانسیل ها و مشکلات و سایر عوامل موثر در امر طراحی در بافت های تاریخی تصمیماتی اتخاذ گردد.

در این رساله سعی شده با ارائه گزینه های پیشنهادی به بررسی جوانب و ویژگیهای طرحها در قالبهای مختلف اعم از کاربری مسکونی فرهنگی و ... (کالبدی- ماهیتی) پرداخته شود تا با بیان معایب و محاسن هر طرح پاسخ مناسب تری جهت طراحی در این سایت ویژه اتخاذ نمود. بحث کاربری از جمله مباحث مورد دغدغه ی نگارنده می باشد. همیشه این سوال مطرح می شود که آیا کالبد معماری قدیم جوابگوی زندگی جدید بوده است؟ آیا عدم پاسخگویی این کالبد به نیازهای جدید کاربران از دلایل تخریب و کم اهمیتی نسبت به ارزش این بناها نشده است؟ استاد دکتر پیرنیا در تحلیل خانه های سنتی ایران به توضیح روابط اجتماعی بین خانواده ها در اعصار قدیم می پرداختند. تجزیه و تحلیل این روابط و اسکیمای این ارتباطات شمائی از پلان خانه های سنتی را در نظر تداعی می کند که به پلان و روابط فضایی در خانه های سنتی نزدیک است. این ارتباط نزدیک بین کالبد خانه ها و نحوه ی

زندگی و فرهنگ مردم ارتباط پیشینیان با لباس دوم خود یعنی خانه را بیش از پیش می کند. این در حالی است که طراح سنتی با درک صحیحی که از این رسوم داشت به بهترین نحو پاسخی به این روابط فرهنگی در قالب معماری می داد. عمده فرهنگ و شیوهی زندگی انسانها گذشته متأثر از اعتقادات مذهبی آنها بود که شخص معمار از آنجائی درجات ریاضت را قبل از طراحی کشیده بود و نظر به تفکرات و تعلقات یکسان میان معمار و کاربر توان پاسخگویی مناسبی نسبت به نیازهای مردم معاصر خود اوست. این هم فکر بودن و هم جنس بودن کاربر و معمار نزدیک بودن سوال و پاسخ را منجر می شود. این در حالی است که همان طور که در قسمت فوق توضیح داده شد اختلافات عقیده و تفکر و خارج شدن اصول و مبانی نظری از لوای یک تفکر به اسم مذهب به عدم شناخت طراحان از کاربران و مخاطره آمیز شدن امر طراحی منجر شده است. در مواردی عدم شناخت کاربران، حتی از نیازهای معاصر خود، مزید علتی بر این مدعی است.

از طرفی نرسیدن به اطمینان در عقیده برای عمده ی طراحان از مشکلات به وجود آمده در هزاره جدید است. این عدم اطمینان باعث تحت تاثیر قرار گرفتن طراح از پدیده ی مد و کشیده شدن معماری به طراحی های بعضاً بازاری و گذرا شده است. وجود تفکرات متفاوت و مکاتب فکری متفاوت امری است که امروزه هر دلیلی وجود دارد و مسئله ی حقیقی است که ما ناچار به پذیرش آن هستیم. پذیرش تفکرات و عقاید دیگران به شرط احترام متقابل و عدم تعارض، تضادهایی را در جامعه بوجود می آورد که می تواند بسیار سازنده و مولد باشد. وقتی سفید و سیاه را بتوان کنار یکدیگر مورد واریسی قرار داد مطمئناً سیاهی و سفیدی آنها هویدا تر خواهد بود و همیشه این تضادهاست که باعث پیشرفت می شود. پذیرفتن عقاید متنوع و مختلف از اصول دموکراتیک هر جامعه است به شرطی که پیروان مکاتب و تفکرات مختلف از روی علم به اصول و مبانی آنها- پذیرفتن درونی و اطمینان قلبی بر آنها - را پذیرفته باشند نه از روی احساس و علاقه های زودگذر و بعضاً متأثر از مد و جریان عمومی جامعه. به طور کلی در صورتی که تفکری جنبه ی درونی برای شخصیتی پیدا کند به گونه ای که جدایی بین شخصیت و تفکر او نتوان پیدا کرد این فرد از لحاظ مبانی نظری انسانی دارای فکر و ایدئولوژی خواهد بود. نظر به اینکه هدف همه ی مکاتب اعم از دینی و غیر دینی رسیدن به حقیقت و هدف والای آنان است مطمئناً انسان حقیقت جو تحت لوای هر فکر و عقیده ای گام در راه درستی خواهد نهاد. از نظر نگارنده تفکرات و مکاتب کلاسیک، آرمانی و ماوراء انسانی و مادی داشته اند که راه خود را از طریق در جهت قرار دادن خود به سمت حقیقت پیدا می کنند، هدف والای آنها

در نتیجه واحد بودن اعتقاد واحد بوده همسوئی آنان را موجب می شده است. این در حالی است که مبانی تفکری معاصر، خود سعی در تعریف اهداف خود با توجه به ایدئولوژی های خود دارد.

تغییر مبانی فکری و کالبدی انسانها در قرون جدید بر زندگی و فرهنگ او نیز تاثیر شگرف گذاشته است به گونه ای که شیوه زندگی او به گونه ای دیگر و حتی در مواردی آشفته تغییر کرده است. در نتیجه آن با توجه به تغییر علایق در روابط انسانها هم از لحاظ اجتماعی و هم فرهنگی و... تغییر کالبدی محل زندگی او نیز به تبع این تفاوتها صورت می پذیرد. این مسئله ای است که حتی در دوران گذشته نیز شاهد آن بوده ایم البته نه در این مقیاس.

برای نمونه اگر ورود اتومبیل در زندگی انسان را بررسی کنیم و تغییر وسیله حمل و نقل او را از چهار پا به چهار چرخ تحلیل کنیم شاید بتوان سرنخ هایی از تغییر الگوی خانه های سنتی از فرم حیاط مرکزی به خانه هایی با ساخت ۶۰/۶۰ پیدا کرد. یعنی به عبارت دیگر تغییر الگوی کاربر منجر به تغییر کالبد زندگی او شده است. البته در مواردی به علت عدم توانایی در شناخت ویژگی های رفتاری انسان ناهنجاری هایی در طراحی محل زندگی او مشاهده می شود که بررسی فاکتورهای مداخله گر در طراحی و عوامل بر هم زننده ی تعادل در این سیستم را بررسی خواهیم کرد.

بخش اول:

مسئله بافت شهری تاریخی

۱-۱- مقدمه ای بر مسائل بافت شهری تاریخی

بطور کلی، ان بخش از شهرهای ایران که تا عهد قاجار شکل گرفته اند، می توانیم بافت قدیم بنامیم. درواقع منظور زمانی است که هنوز تغییرات و تحولات تکان دهنده و دگرگون کننده دوران پهلوی اول شروع نشده است. این بخش، بافت قدیم یا درواقع همان بخش درونی شهر است. آنچه را که به شهر در دوران تحولات و تغییرات اشاره شده اضافه می شود بافت میانی می نامیم. بخش میانی در حاشیه بافت قدیم نه به کندی بافت قدیم و نه با سرعت دوران بساز و بفروش بعد، شکل گرفته است. لذا بخش میانی هم در بسیاری از موارد مانند بخش دورنی واجد ارزش است. می توان نمونه هایی از بافت میانی را نام برد مانند: قسمتهایی از محلات منیریه و سرچشمه در تهران، بخشهایی که داخل ارگ حکومتی قدیم سمنان ساخته شده، قسمتهای اطراف خیابان قدیم زاهدان در شهر بیرجند، و یا جنوب خیابان کرمان یا محله سردوراه در شهر یزد. در بسیاری از موارد ما از بخش میانی برای طراحی آینده بیشتر از بافت قدیم یا بخش درونی می توانیم درس بگیریم، چون بخش درونی در بسیاری از شهرها کاملاً فرسوده شده است.

باید بدانیم که بافت قدیم تنها یک مسئله کالبدی نیست، بلکه مسایل اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی را نیز دربرمی گیرد. اگر ما صرفاً به جنبه کالبدی مسئله بافت قدیم نگاه کنیم، مرتکب خطا شده ایم. خصلت اساسی کالبدی بافت قدیم شکل گیری هماهنگ، مداوم، پیوسته، یکپارچه و عاشقانه در طول تاریخ است. درست نقطه مقابل آن چیزی که امروز با آن مواجه هستیم.

ولی بافت قدیم در حال حاضر چه وضعی دارد؟ فرسود شده و سکونتگاه مردم تهیدست شهری است. برعکس بخشهای تاریخی بسیاری از شهرهای قدیمی اروپا که سطح زندگی در آن بالاست. در ایران، بویژه بعد از جنگ تحمیلی جنگ زدگانی که بضاعت مالی کافی نداشتند، بسیاری در درون بافت قدیم ساکن شدند مثلاً در تعدادی از خانه های قدیمی یزد در محله فهادان و یا مورد دیگر مانند حضور افغانیها در محله درب شازده شیراز.

۱-۱-۱ دلائل رها شدن بافت تاریخی

۱- عدم کارایی کالبدی بافت در حال حاضر

یکی از علل اساسی رها شدن بافت قدیم شهرهای ایران عدم کارایی کالبدی بافت در برابر شکل زندگی امروز است. کوچه ها خیلی تنگ است، تنگ تر از کوچه های مشابه شهر قدیمی بروژ در بلژیک و یا یورک در انگلستان. وسیله ای به نام ماشین بر پیکره بافت قدیمی ما یکباره تحمیل شده، در حالی که شهر چستر در انگلستان برای مثال تقریباً با اندازه ماشین تغییر تدریجی و منطقی پیدا کرده است.

ترکیب خانواده قدیمی بهم خورده و فضاهای زندگی خانه های قدیمی امروز متناسب با نیازهای خانواده های امروزی نیست.

۲- مسئله اقتصادی

جنبه دومی که موجب رها شدن بافت قدیم شده، انهدام ساخت اقتصادی گذشته آن است. تولیدات دستی در بافت قدیم یا بکلی از بین رفته یا بشدت رو به ضعف نهاده است. تولید کارخانه ای گسترده تر، سریعتر و در مواردی از نظر جنس مرغوبتر جای تولید دستی را می گیرد. در همین کوچه پس کوچه های یزد که دقت کنیم اکثر کارگاههای شعربافی متروک شده است. بعد از تاسیس کارخانه اقبال و کارخانه خای دیگر جایی برای تولید صنایع پارچه بافی دستی در شهر یزد باقی نمانده است. بعد از تولید پارچه عبا به طریق کارخانه ای دیگر محله عبا بافان محمدیه ناوین نمی تواند فعال باشد.

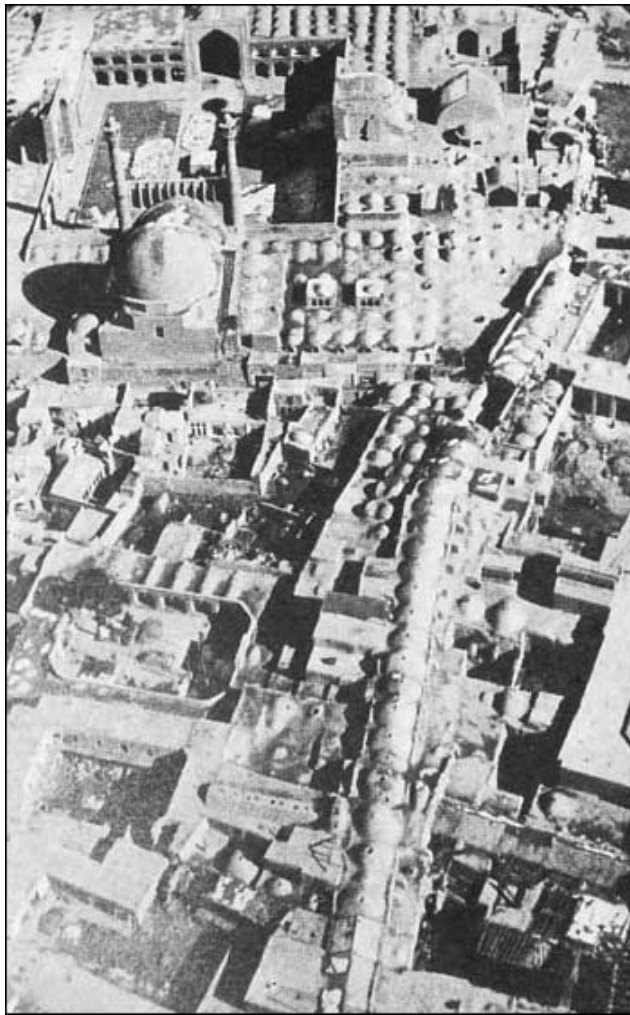
۳- مسئله فرهنگی

مورد سوم جنبه فرهنگی مسئله است. فضاهای شهری در بخش قدیمی تحرک گذشته را از دست داده اند. آن صفاها، شادیهها، شور و شغفهای نیمه شعبانها، سیزده رجبها به قوت گذشته باقی نمانده است. عروسی در خانه های قدیم هفت شب و هفت روز طول می کشید، نخل گذشته میدان شاه طهماسب یزد را سالهاست، عاشوراهاست که تکان نداده اند. نه تنها فضاهای شهری و معماری گذشته بلکه متون قدیمی نیز حال و هوای دیگری دارد و نخبگان عصر ما حداکثر می توانند این متون را درست تصحیح کنند و توضیح دهند.

۴- فرسودگی بافت قدیم، مشکلات، راه حلها

مسئله چهارم فرسودگی بافت قدیم است که کمک به متروک شدن آن کرده و این خود معلول چند عامل از جمله مصالح بکار رفته در بافت قدیم شهرهای ماست. در مقابل ابنیه سنگی و مصالح بادوام شهرهای قرون وسطی در اروپا، بافتهای ما مصالح ضعیفتر است. هزینه مرمت خانه های کاهگلی مشکل دیگری است. دولت نیز به علت گستردگی بافتهای قدیمی از عهده صرف هزینه زیاد بر نمی آید. همگی ما تا به حال ساکنین بخش قدیمی را از نوسازی برحذر داشته ایم.

۱-۱-۲- ساخت کالبدی بافت قدیم



تصویر شماره ۱-۱ - مسجد جامع اصفهان مأخذ: اشمیت

برای دخالت آگاهانه و درست در کالبد بافت قدیم باید این بخش از شهر را به درستی بشناسیم. البته این ترکیب کالبدی جدا از فعالیتهای فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی درون بافت نبوده است. اصل پایه ای حاکم بر ترکیب کالبدی بخش قدیمی شهرهای ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه. (۱) مرکز شهر و (۲) مراکز محلات، از طریق یک رشته فضاها و عناصر ارتباط دهنده. (۳) گذرهای اصلی و (۴) میدان، استوار است.

دخالتهای نادرست شهرسازی در بافت قدیم شهرهای ایران در طول چند دهه اخیر این احساس پیوستگی را ضعیف کرده و یا به کلی از بین برده است. تغییر و تبدیل اساسی فضاها و گذرهای بخش

قدیمی شهرها که ظرف چند دهه اخیر باب شده هویت ملی این فضاها را از میان می برد. بسیاری از خیابانها اگر بطور منطقی و متناسب با ساخت کالبدی بخش قدیمی ایجاد می شدند، ما در حال حاضر دارای بسیاری فضاهای زنده شهری بودیم. دسترسی سواره حتی المقدور باید وجود داشته باشد حتی در بخشهای جدید فکر می کنم باید ماشین به تمام خانه ها راه داشته باشد. ایجاد دسترسی سواره تا حدودی در بافت قدیم و به میزان زیادی در بخشهای جدید اجتناب ناپذیر است. مسئله اصلی نحوه طراحی و توانایی طراحی است در ایجاد سواره منطقی متناسب با بخشهای مختلف شهر.

در سال ۱۳۶۵ بدنبال طرحهای روانبخشی در بافتهای قدیم شهرهای ایران که دو سه سال پیش از این تاریخ شکل گرفته بود، وزارت مسکن و شهرسازی با تشکیل گروهی به مطالعه و ارائه راه حل اساسی برای بخش قدیم شهر یزد پرداخت. براساس هماهنگی که بعمل آمد قرار بر این شد که از مطالعات غیرضروری و وقتگیر پرهیز کنیم و براساس تجربه ای که داریم راه حلهایی اجرایی سریع ارائه کنیم. چنین شد و کار با ارائه گزارشهای اجرایی هر یکی دو ماه یکبار آغاز شد. ما ضمن تصریح این مطلب که به بافت قدیم نباید صرفاً بعنوان یک مسئله کالبدی نگاه کرد بلکه مسائل فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی آن نیز درخور توجه اساسی است، ضمن ارائه سیاستهای بهبود کیفیت فعالیتهای اجتماعی- اقتصادی به ارائه طرح کالبدی یعنی طراحی چند دسترسی و تقاطع در مناطق حساس و پرمسئله بخش قدیمی و نیز طرح یک نمونه خانه نوساز در بخش قدیمی که متقاضیان آن در شهرداری زیاد بودند، متمرکز شد. در طراحی دسترسی و فضاهای شهری، مخروبه ترین فضاها از جمله شامل کاروانسراهای ۷۰۰، ۸۰۰ ساله پشت قلعه عهد آل مظفر در بخش قدیمی که بصورت زباله دانی، محل اعتیاد و بزهکاریهای اجتماعی درآمده بود در روند کار قرار گرفت.

۱-۱-۳-نوساختن معماری گذشتگان و باز ساختن با الهام از گذشتگان

معماری گذشته طی قرنهای طولانی و تا ۴۰ یا ۵۰ سال قبل همیشه در حال تغییر و تحول، زایش و پویش و دوباره سازی بود. این معماری همچون درختی کهنسال قسمتهای پوسیده اش خراب می شد، شاخه های جدید بیرون می داد و بجایی می رسید که این چنار کهن اگر هم آتش می گرفت یا خشک می شد، شاخه های خودجوش آن با رویش دوباره از ریشه، کم کم بال و پر می گستراند و درخت، زندگی تازه پیدا می کرد.

مانند چنار کهنسال نطنز در کنار درگاهی مقبره شیخ عبدالصمد، که شاخه های دوباره روییده آن رشد کرده اند و تنه عظیم آنرا تشکیل داده اند، در حالی که شاید از درخت اصلی اثری برجای نباشد. تا سالهای پیش از ۱۳۲۰ این ماجرا ادامه داشت، بطوریکه با ورود معماری پیش از مدرن غرب به ایران، باز هم آنچه که ساخته شد در دوران قبل و بعد از مشروطیت غالباً بنوعی همخوانی و همسویی با معماری گذشته داشت. مثلاً در تهران احداث خیابانهای امیریه، سعدی، فردوسی، باب همایون و دیگر خیابانهای مرکزی، با تخریب محلات نسبتاً قدیمی همراه بود ولی آنچه در کنار این خیابان ساخته شد، حتی معماری ترکیبی ایرانی و فرنگی تضاد چشمگیری با معماری اطراف خود بوجود نیاورد و ارتباطی طبیعی بین این دو معماری بوجود آورد. مثال مشخص آن در خیابان امیریه تهران مشاهده می شود که خانه های حیاط دار آن وقتی در کنار خیابان قرار گرفتند بنوعی تغییر شکل موزون پیدا کردند و با حفظ هویت کلی خود تبدیل به معماری کنار خیابان شدند که در آن زمان پدیده ای نوظهور بود.

با ورود معماری مدرن به ایران است که همه چیز تغییر پیدا می کند و کم کم اثری از آثار گذشته بجای نمی ماند. ریشه های تفکر ضدتاریخی و مخالف فرهنگ گذشته را باید در اصول معماری مدرن جستجو کرد. این تفکر به اصول اساسی آموزش در مدرسه باوهاوس در آلمان سالهای ۱۹۲۰ به بعد برمی گردد. در این مدرسه هنری، برخلاف سنت طولانی مدارس هنری در اروپا، درس تاریخ بعنوان درس بی خاصیت و بی ارزش حذف می شود و همین تفکر در سراسر دوران آموزش معماری مدرن در غرب و شرق ادامه پیدا می کند و طبیعتاً به ایران نیز می رسد. به این نکته دوباره اشاره خواهیم کرد.

گفتیم که در معماری گذشته، دائماً این تغییر و تحول و نوسازی ادامه داشت و صحبتی هم در میان نبود که چرا اینجا خراب شد و آنجا دوباره ساخته شد. ادوارد کلارک در سفرنامه خود که در دوران ناصری به تحریر درآورده، درمورد معماری تهران می گوید خانواده های نوپا به محض اینکه به نان و نوایی می رسند خانه خود را تخریب و بزرگ می کنند و فامیل را به دورشان جمع کرده و محله ای را از آن خود می سازند. طبیعتاً خانه های این محله همگی نوساز بوده و بر روی خرابه های قدیم بنا می گردد. این نوسازی طی چند نسل ادامه پیدا می کند فقط در دهه های اخیر است که محله های فامیلی از هم می پاشد و خانواده های غیرآشنا در کنار هم زندگی می کنند.

به قول ادوارد کلازک اموال خانه های متمکن ایرانی در دوران قاجار دائماً در حال خطر بود. مغضوب واقع شدن، مصادره و ضبط اموال از بلایای رایجی بود که هر صاحب مکنتی باید انتظار آن را می کشید. البته خانه های طبقات متوسط شهری شاید از آفات فوق مصونیت بیشتری داشت، ولی اصولاً عدم استحکام این قبیل خانه ها در مقابل باد و باران و زلزله آنها را نیز در معرض تغییر و تبدل دائمی قرار داد.

با توجه به نکات فوق ملاحظه می شود که خانه در معماری ایران تا اواخر دوران پهلوی اول هیچگاه عمری طولانی نداشته و ترمیم و تغییر از ویژگیهای اساسی آن بوده است. این معماری اکنون بعنوان آثاری با ارزش در مقابل ما قرار دارد ولی پویایی زندگی از درون آن رخت بر بسته است. اینان همانند گیاهان بجا مانده از دوران گذشته می باشند که متخصصین امروز ما سعی در حفظ آنها به همان شکل و شمایل کنونی آن دارند، ولی واضح است که این گیاهان نیم مرده طاقث زندگی در مقابل آلودگی بیش از حد معماری امروز را ندارند و در حقیقت برای صاحبان اصلی خود مرده اند ولی ما سعی در زنده کردن دوباره آنها داریم.

درمورد ریشه های تفکر معماری مدرن و مسئله ضدتاریخی بودن آن در غرب اشاراتی شد که به سبب حساسیت مسئله و ارتباط آن با مسئله باززنده سازی و دوباره سازی معماری گذشته، جا دارد که توضیحات بیشتری داده شود.

همچنین در زمینه شهرسازی جدید نیز تفکر فوق حاکمیت داشت در بیانیه آتن که در کنگره جهانی معماران مدرن در ۱۹۳۳ انتشار یافت، درمورد شهرسازی جدید فقط پنج عملکرد شهر را ذکر کرده و اساس شهرسازی جدید را بر پایه آن عملکردها بنا کرده است. این پنج عملکرد عبارتند از: مسکن، اوقات فراغت، حمل و نقل، کار و بناهای تاریخی. لازم به ذکر است که منظور از بناهای تاریخی فقط آثار مشهود شناخته شده می باشند که می بایستی مورد حفاظت قرار گیرند مانند کلیساها، مساجد، قصرها و غیره. در اینجا صحبتی از مجموعه های شهری شکل گرفته در دوران گذشته به میان نیامده است و بالطبع معماری مدرن می تواند در همه جای شهر، بجای بناهای گذشته بنشیند بغیر از آثار معروف شناخته شده و ثبت شده کلاسیک.

بیانیه فوق بعدها بصورت زیربنای طرحهای جامع شهری در تمام شهرهای دنیا درآمد و از درون آن قوانینی برای شهرداریها وضع شد که در نتیجه، از نظر قوانین شهری، هیچگونه حمایتی از بناهای تاریخی و بافتهای سنتی

به عمل نیامد و در هر نقطه از شهر با توجه به نیاز طرحهای جامع امکان تخریب و نوسازی به طریقه معماری مدرن میسر بود.

نکته ای که بدان اشاره گردید نه تنها شهرهای ایران، بلکه شهرهای اروپا و امریکا را تحت تاثیر قرار دارد. از جمله در طرحهای لوکوربوزیه برای مرکز شهر پاریس چنین نگرشی را می توان مشاهده کرد که در آنجا بلوک های مسکونی بلند می بایستی بجای مجموعه بهم پیوسته قدیمی موجود احداث شوند.

بنابراین مشاهده می شود که در اثر طرحهای جامع و برنامه ریزی شهری و طراحی شهری، جایی برای پرداختن به معماری گذشته شهرها وجود ندارد و غالباً در این گونه طرحها به کلی گویی درمورد میراث فرهنگی گذشتگان پرداخته می شود و تاکنون هیچگونه کار واقعی و ملموس در این مورد صورت نگرفته است. از طرف دیگر تعیین محدوده هایی بعنوان بافت سنتی در شهرها و عدم اجازه تخریب و یا تعمیر بناهای واقع در آن محدوده نیز چاره اساسی بشمار نمی آید، هرچند که قدم های اول را باید از اینجا شروع کرد.

از سال ۱۹۶۰ به بعد گروههایی از معماران و شهرسازان اروپا گروههایی بعنوان گروه ده یا (TEAMTEN) با اعتراض به بیانیه های آنن در شهرسازی، مسئله ارتباطی انسان در شهر را مطرح کردند، و ایجاد واحدهای همسایگی را بعنوان چاره کار پیشنهاد نمودند که هم اکنون در طرحهای کنونی شهر بکار برده می شود. همچنین کلمه بافت شهری نیز از همین دوران به بعد وارد فرهنگ لغات شهرسازی و معماری شده. مشکلی که در این مورد وجود داشت این بود که واحد همسایگی و یا بافت شهری، بعنوان مقوله ای دو بعدی در شهرها مطرح شد و نوع معماری که باید اینها را شکل دهد مشخص نبود.

با توجه به نکته فوق، به نظر می رسد کلمه بافت شهری غالباً بعنوان مکانی دو بعدی مورد عنایت قرار می گیرد اصولاً بافت کلمه معمارانه و شهرسازانه نیست و این واژه عاریتی القا کننده تمام آنچه که ما بعنوان یک مجموعه سه بعدی شهری مورد نظرمان است نمی باشد. بدین ترتیب اگر بافت دو بعدی هم القا کننده پلانهای معماری گذشته باشد ولی بطریقه الگوهای خشک معماری مدرن ساخته شود، هیچ ارزشی نخواهد داشت و در نهایت با کوچه ها و بن بستهای تنگ و کج و معوجی سروکار خواهیم داشت که کوچکترین ارزش معمارانه و فرهنگی ندارند. با توجه به این نکته است که ملاحظه می شود معماری پیش از مدرن در ایران، که مربوط به دوران قبل از سالهای ۱۳۳۰ می باشد، هنوز ارزشهای فرهنگی یک بافت سنتی را حفظ کرده و مغایرتی با معماری

گذشته ندارد، ولی با ورود معماری مدرن از طریق دانشکده های هنرهای زیباست که مسئله عدم تطابق شروع می شود و مشکل اساسی معماری آغاز می گردد.

با مقدمه فوق بازگردیم به موضوع اصلی صحبت که چگونگی پرداختن به بافتهای سنتی در شهرهای ایران است. با یک تقسیم بندی کلی سه نوع معماری سنی در شهرهای ایران پا برجاست مانده است.

اول معماری کلاسیک بجای مانده از قرون و اعصار گذشته است که می بایستی حفظ شود. مانند مساجد، مقابر، مدارس، کاروانسراها، کاخها و غیره. کلمه مرمت آثار درواقع مربوط به این بناهاست. البته سازمان میراث فرهنگی متولی این بناها است و کار خود را در حفظ آنها به پیش می برد.

دوم بناهای مسکونی بجای مانده از گذشته هستند که آنها را بر دو نوع می توان تقسیم کرد. گروهی از این خانه ها با الگوهای همیشگی معماری گذشته بنا گردیده اند و در غالب شهرهای ایران کم و بیش مشاهده می شوند. این ساختمانها با حیاطهای داخلی و اطاقهای گرادگرد آنها در مجموعه های مرکزی شهرها هنوز به حیات



تصویر شماره ۱-۲ خانه تاریخی پهلوی مآخذ:نگارنده

کمرنگ خود ادامه می دهند و بافت سنتی غالباً به مجموعه این بناها اطلاق می شود. مانند مجموعه های محله فهادان یزد، جلفای اصفهان و محله عودلاجان تهران. از نظر تاریخی این بناها تا اواخر دوران قاجار با همان شکل و شمایل قدیمی ساخته می شوند و مخصوصاً در دوران قاجار بهترین نمونه های این معماری را می توان مشاهده کرد.

نمونه دیگر از این بناهای مسکونی، آثار بجای مانده از اواخر دوران پهلوی اول است که با ترکیبی از معماری غرب . معماری کنار خیابان در زمینهای کوچک احداث گشته اند. بهترین نمونه های آنها در تهران و شهرهای آذربایجان می توان مشاهده کرد. چنانچه گفته شد بافت سنتی معمولاً به نوع اول بناهای مسکونی اطلاق

می شود، ولی بناهای اخیر که واجد ارزش معمارانه بسیاری نیز هستند، چندان مورد عنایت قرار نگرفته اند. بدین جهت جا دارد توضیح بیشتری درمورد این نوع ساختمانها داده شود.

در همین شهر تهران، در دوران بعد از مشروطیت، که گسترش آن شروع شد و خیابانها جدیدالاحداث بنا گردید، بنوعی زمینهای تفکیکی شروع به واگذاری شد. در این زمینهای تفکیکی کوچک (۲۰۰ یا ۴۰۰ متر مربع) آثار با ارزش معماری ساخته شد که هنوز به حیات خود ادامه می دهند. در این خانه ها که غالباً حوالی دانشگاه تهران و بین خیابانهای جمهوری و انقلاب واقعند، هنوز زندگی امروز در تلفیق با زندگی گذشته جریان دارد، در این خانه ها سرویسهای خدماتی مانند آشپزخانه و دستشویی و حمام در داخل خانه قرار دارد ولی شکل و شمایل کلی خانه با الهام از معماری گذشته بنا گردیده است. این خانه ها غالباً مطابق ضوابط امروز شهرداری یعنی در ۵۰ یا ۶۰ درصد زمین ساخته شده اند و حیاط در یک طرف قرار دارد ولی در مجموع از چنان معماری موزونی برخوردارند که هنوز می توان از آنها بعنوان نمونه های موفق تلفیق زندگی امروز با معماری گذشته استفاده کرد. این نکته گویای این مطلب بسیار ظریف و اساسی است که ضوابط شهرداری ها به تنهایی در کیفیت معماری موثر نیستند، بلکه خود معماران و نوع معماری است که موثر واقع می شود. بنابراین معمار ۷۰ ساله پیش ضابطه ۶۰ درصد را رعایت کرده و خانه های ردیفی در قطعات کوچک طراحی نموده ولی این خانه ها تفاوت فاحشی با معماری دوره بعد دارد که با رعایت همین ضابطه معماری بی ارزشی ارائه داده شده است. در این مورد رجوع شود به خانه های طراحی شده در کوچه های داخل محدوده خیابان ولیعصر، حافظ، انقلاب.

نوع سوم از بناهایی که قابل توجه و باارزش می باشند، بناهایی هستند که بعد از مشروطیت در ایران ساخته شدند. از این قبیل می توان بناهای دولتی تجاری، بناهای کنار خیابان و بناهای آموزشی و دانشگاهی، کارخانجات و ایستگاههای راه آهن را نام برد. اینها ممکن است جزو آثار ثبت شده کلاسیک ایران بحساب نیایند ولی دارای ارزشهای بسیاری هستند که جا دارد در حفاظت آنها کوشش شود. هم اکنون در شهر تهران از بهترین نمونه های این ساختمانها مشاهده می شود که هنوز سرپا هستند ولی بنا به علل گوناگون در نگهداری و حفظ آنها کوشش نمی شود و در آینده نزدیک باید منتظر خرابی تعداد زیادی از آنها باشیم. از این نمونه ها می توان مجموعه بناهای دولتی مرکز تهران، پست و تلگراف، اداره شهربانی، وزارت امور خارجه، دادگستری و بناهای مشابه آنها را نام برد. همچنین مدارس فردوسی، البرز، انوشیروان و مجموعه دانشگاه تهران از این نمونه ها هستند. از بناهای تجاری

نیز می توان از تعداد بسیاری از ساختمانهای کنار خیابانهای انقلاب، فردوسی، سعدی، لاله زار و میدان فردوسی و حسن آباد را نام برد. از بناهای عمومی و صنعتی و کارخانه ها ساختمان ایستگاه راه آهن، هتل امیرکبیر و سیمان ری از این قبیل هستند. در شهرستانهای اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز و شهرهای شمالی از نمونه های فوق الذکر به وفور مشاهده می شود.

در این میان دو گروه متولیان این قضیه هستند. در یک طرف دولت و تمام تشکیلات مربوط به ساختمان، وزارت مسکن، میراث فرهنگی، شهرداریها و دانشگاهها هستند و در طرف دیگر صاحبان غیردولتی و اصلی این بناها. از کاری که دولت و موسسات مربوط به آن انجام می دهند هم اکنون نقطه های روشنی مشاهده می شود و بطور محسوسی این آگاهی بدست آمده است که باید کاری انجام شود. ولی از جانب دیگر قضیه، یعنی مردم عادی و صاحبان خصوصی این بناها، هنوز کاری انجام نشده است. شاید علت این است که هنوز در جامعه ما معماری معماری و کیفیتهای مربوط به آن تبدیل به کمیت مادی نشده است و ساختمان صرفاً با زیربنایش و مصالح بکار رفته در آن محاسبه می شود و کیفیت هنری معماری بعنوان ارزش ریالی مطرح نمی باشد.

نکته فوق یکی از مهمترین عواملی است که می بایستی مورد توجه قرار گیرد و بحساب آید. در جامعه ای که قیمت زمینهای شهری آن با نرخ سرسام آوری در حال ترقی است چگونه می توان ساختمانی را که دارای ارزشهای فوق العاده هنری و فرهنگی است، ولی عملاً کلنگی بحساب می آید نجات داد. این امر جز با توسل به یک کار فرهنگی که در نهایت ارزشهای معنوی آن بناها را به ارزشی مادی تبدیل کند میسر نمی باشد. در نهایت کاری باید کرد که مالک یک ساختمان باارزش مطمئن باشد که خانه قدیمی او همانند یک خانه نوساز می تواند سرمایه فرزنداناش باشد و لاقلاً به همان قیمت به فروش می رسد.

البته انجام چنین کاری به آسانی میسر نیست و تنها نمی توان به حرف و گفتار بسنده کرد. در این میان نقش موسسات دولتی بسیار ارزشمند می تواند باشد. اگر ادارات دولتی در بناهای باارزش قدیمی، مخصوصاً در بناهای اواخر قاجار و دوران مشروطیت و پهلوی اول، جایگزین شوند مسلماً قدم بسیار مثبتی برداشته خواهد شد. البته زمزمه های این کار هم اکنون شنیده می شود. همچنین با تغییر عملکرد دادن بسیاری از این بناها به موزه و نمایشگاه حتی رستوران و چایخانه و غیره که تا حدودی نیز انجام شده است تعدادی از این ها را می توان نجات داد. ولی آنچه که باقی می ماند بقدری زیاد است که جز به یاری صاحبان اصلی آنها نمی توان کاری انجام داد.